

بررسی دانش بومی خبرگان عشایر نیمه کوچنده البرز شمالی (مطالعه موردی: مراتع ییلاقی دامنه جنوبی کوه دماوند)

قدرت اله حیدری^۱ و حمیدرضا سعیدی گراغانی^{۲*}

۱- استادیار، گروه مرتعداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ایران

۲- نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای علوم مرتع، گروه احیاء مناطق خشک و کوهستانی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران،

پست الکترونیک: hamidsaidi65@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۹

چکیده

دانش سنتی و بومی بهره‌برداران مراتع میراث ملی گرانقدری محسوب می‌شود که برای برنامه‌های مدیریتی و توسعه اجتماعی، فرصت‌هایی را فراهم می‌کند و به شناسایی، اولویت‌بندی و سامان‌دهی منابع محلی کمک می‌نماید. معرفی این دانش سنتی در میان اقشار جامعه باعث رویکرد مثبت نسبت به شغل شبانی شده و می‌تواند استحکام ساختار اجتماعی را در کشور تقویت کند. بر این اساس در این پژوهش مشارکتی سعی شد ضمن معرفی سازوکارهای بومی مدیریت سامان‌های عرفی توسط عشایر نیمه کوچنده مراتع ییلاقی دامنه جنوبی کوه دماوند به نقش شناخت و بهره‌گیری از آن در طرح‌های اصلاحی و احیایی مراتع و بهبود وضعیت و شرایط اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران بپردازد. روش انجام این پژوهش کیفی است، در این روش ضمن انجام مصاحبه‌های عمیق و جمع‌آوری اطلاعات، سئوالات محوری در خصوص استفاده از مراتع تعیین شد. نتایج جمع‌بندی اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که بهره‌برداران مراتع به راحتی می‌توانند کروکی (حدود) سامان عرفی، تقسیم مکانی پراکنش دام، تنظیم اندازه گله یا محل‌های تأمین آب شرب گله، مسیر حرکت گله، بهترین نقاط چراگاه و استراحت گله را به خوبی تعیین و تفکیک نمایند. آنان همچنین می‌توانند با اجرای سیستم‌های چرای سنتی مانند چرا در شب و مه، رعایت زمان ورود دام، مدت توقف دام و قرق قسمت‌های مختلف مرتع، از تمام قسمت‌های یک محدوده عرفی به‌صورت یکنواخت استفاده کنند. بنابراین بنظر می‌رسد دانش بومی و تجربه شغلی شبانان می‌تواند در فعالیتهای مشارکتی برای دستیابی به مدیریت پایدار نقش اساسی ایفا نماید و زمینه موفقیت طرح‌های مرتعداری را با افزایش سطح مشارکت آنها فراهم کند.

واژه‌های کلیدی: دانش بومی، مدیریت پایدار، پژوهش مشارکتی، مراتع ییلاقی دماوند.

مقدمه

دانش بومی، دانش گروه‌های انسانی در ارتباط با زمینه‌های متفاوت هستی، زندگی و معیشت است که ارتباط با محیط اجتماعی و طبیعی و از طریق آزمون و خطا در طول زمان شکل گرفته و عمدتاً شفاهی و نامکتوب است (بارانی، ۱۳۸۲). در بهره‌برداری از مراتع توسط نهادهای سنتی که

تابع نظم و نسق خاصی است دانش بومی سازگار همواره عامل تعادل اکولوژیکی محسوب می‌گردد، به‌عنوان مثال رعایت نوعی نظم در زمان ورود و خروج دام به مرتع، تقسیم‌بندی و قرق محدوده‌های عرفی، بذریاشی و کنترل گیاهان سمی، پراکنش مناسب و مدت توقف دام در مرتع را می‌توان ازجمله اقدامات بهره‌برداران براساس آگاهی و

همزمان از دانش بومی و دانش رسمی، یک راهبرد اساسی است که توسط متخصصان گوناگون برای توسعه کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه مورد تأکید قرار گرفته است. به همین دلیل Hare و Krywkwow (۲۰۰۸) و Keough (۱۹۹۸) در مطالعه خود برای جلب مشارکت مردمی بیشتر، شناسایی دانش بومی و روش‌های سنتی را قبل از اجرای طرح‌های مشارکتی مورد تأکید قرار می‌دهند.

Papzan و Afsharzadeh (۲۰۱۱) با بررسی دانش بومی تغذیه دام کوچندگان ایل کلهر بیان کردند که دامداران عشایر به منظور رسیدن به تولیدی مطلوب به تفاوت الگوهای تغذیه در مراحل مختلف فیزیولوژیک نظیر قبل از جفت‌گیری، آبستنی و شیردهی توجه لازم را معطوف داشته و به ارزیابی و مدیریت مرتع به‌مثابه اصلی‌ترین منبع تأمین خوراک دام در نظام کوچندگی اهمیتی قابل توجه دارند. Fernandez و همکاران (۲۰۰۳) مهمترین راهبردهای مدیریت چرا در آسیای مرکزی را حرکت یا جابجایی (کوچ) و تنوع دام در گله می‌دانند و اعتقاد به پایداری این سیستم‌ها و قابلیت آنها برای تلفیق با روش‌های مدیریت مرتع در جهان توسعه‌یافته دارند. حیدری و بارانی (۱۳۹۰) در تحقیق خود روی روش‌های مدیریت سنتی سازگار با شرایط اکولوژیک در مراتع بیلاقی بلده استان مازندران عنوان کردند که بین سطح دانش بومی بهره‌برداران با سطح مشارکت آنها در اجرای طرح‌های مرتعداری رابطه معنی‌داری وجود دارد. بهره‌برداران طرح‌های این مراتع به صورت سنتی می‌توانند گیاهان مرتعی، خوراکی و دارویی را طبقه‌بندی نمایند؛ و از فصل رویش، روش تکثیر، زمان کاشت و مدت بهره‌برداری مهمترین گیاهان مرتعی که در تولید علوفه و چرای دام آنها مؤثر هستند اطلاعات زیادی دارند. این بهره‌برداران به راحتی می‌توانند کروکی سامان عرفی، تقسیم مکانی پراکنش دام، محل‌های تأمین آب شرب گله و بهترین نقاط چراگاه را بخوبی تفکیک و تعیین نمایند. Johnson و همکاران (۲۰۰۱) اعتقاد دارند اطلاع دستگاہ‌های دولتی از تجربه، مهارت و آگاهی بهره‌برداران باعث برنامه‌ریزی بهتر و موفقیت بیشتر در اجرای طرح‌های منابع طبیعی می‌شود.

تجربه شغلی آنها نام برد (باقری، ۱۳۷۳؛ حیدری و سعیدی گراغانی، ۱۳۹۰). این نظم و دانش بومی که به تعبیر امروزی مدیریت نامیده می‌شود ضامن بقاء و حفظ مراتع در ادوار گذشته بوده است (انصاری، ۱۳۷۷). اقوامی که در نقاط مختلف ایران به دامداری می‌پردازند متناسب با نوع مرتع موجود شیوه‌های گوناگونی را برای بهره‌برداری اتخاذ کرده‌اند این شیوه‌ها روابط تکنیکی را در بهره‌برداری از مراتع شامل می‌شود و در مجموع یک نظام بهره‌برداری را شکل می‌دهد که با شرایط محیطی و فرهنگی سازگار هستند (Papely Yazdi & Labaf Khaniky, 2000). بهره‌برداران مراتع با شناخت کامل از گیاهان شاخص مرتعی، دوره چرای دام‌های خود را با معیارهای بهره‌برداری مجاز و توان اکولوژیکی مرتع تنظیم می‌کنند (سعیدی گراغانی، ۱۳۹۰). آنان بوم‌نظام‌هایی را در قلمروها و محدوده‌های عرفی خود دارند که به اندازه مطلوب و بدون آسیب رساندن به پوشش گیاهی مرتع از آن بهره‌برداری می‌کنند، این نظام‌ها از پایدارترین نظام‌های تولید معیشتی در استفاده از مراتع بشمار می‌آیند (Dehghanian & Kohansal, 2000) و (Heady, 1990) که ریشه در دانش بومی و تجربه‌های شغلی قرن‌های گذشته این مرز و بوم دارد و تا وقتی که جامعه پابرجاست به‌عنوان پایه‌های فرهنگی و فنی به تکامل ادامه می‌دهند (Lee, 1990 و Arebion, 2006). تجربه نشان می‌دهد دانش بومی نه تنها با دانش رسمی تعارض و تناقض ندارد بلکه ویژگی‌های متفاوت دانش بومی می‌تواند مکمل مناسبی برای دانش رسمی باشد (Rashtian & Karimian, 2010).

کارشناسان و متخصصان باید بپذیرند که از مردم محلی هم می‌توان موارد با ارزشی آموخت، شناخت و احترام به دانش بومی مردم و طرح واقعیات برای آنان از مهمترین عوامل جلب مشارکت و ایجاد انگیزه است. ارزش‌های سنتی به‌عنوان بستر و پایه مطالعات، همراه با روش‌ها و تکنیک‌های مدرن و نظرات جاری در زمینه استفاده چند منظوره و بهینه از منابع، از اهمیت بالایی برخوردار هستند (Saeedi Goraghany et al., 2011). امروزه استفاده

واحد دامی، قطعه‌بندی مراتع و برخی راهکارهای بومی مدیریت مرتع نظیر کوچ و ارزیابی مرتع دارند. هدف از این مطالعه ارزش شناخت دانش بومی و محلی عشایر نیمه کوچنده دامنه جنوبی مراتع بیلاقی کوه دماوند در مدیریت پایدار سامان‌های عرفی است.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه

مراتع بیلاقی دامنه جنوبی کوه دماوند با مساحتی بالغ بر ۲۴۲۱۶ هکتار در جنوب شهرستان آمل در استان مازندران قرار گرفته است. این مرتع بین طول جغرافیایی ۳۶ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۵۷ دقیقه و عرض ۵۲ درجه و ۴ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۱۱ دقیقه واقع و از شمال به قله دماوند، از جنوب به شهر پلور، از شرق به رینه کوه و از غرب به استان تهران منتهی شده است. متوسط شیب منطقه ۳۶/۹۳ درصد، حداکثر ارتفاع ۴۲۰۰ متر و حداقل ارتفاع ۲۴۰۰ متر از سطح دریاست. حداکثر درجه حرارت در گرمترین ماه سال (مرداد) ۲۶/۷ درجه سانتی‌گراد و حداقل آن در سردترین ماه سال (بهمن) ۱۵/۷- درجه سانتی‌گراد با اقلیمی سرد و خشک است (ذبیحی و علوی، ۱۳۸۹). جدول ۱ تعداد بهره‌بردار، شیوه بهره‌برداری، تعداد دام و نوع دام را در هر یک از ۱۵ سامان عرفی منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد.

Ugulu و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند مستندسازی دانش بومی بعلت ارزش بالا به‌عنوان یکی از راهکارهای انتقال دانش از نسل قدیم به جدید اهمیت زیادی دارد. Chambers (۱۹۸۶) در کتاب توسعه روستایی هدف نهایی از مشارکت دادن روستاییان آسیب‌پذیر در برنامه توسعه را آگاهی یافتن از اطلاعات و تجربه‌های پربار مردم محلی و کسب دانش بومی می‌داند. ایشان معتقد است دانش بومی نه تنها با دانش رسمی تعارض و تناقض ندارد بلکه ویژگی‌های متفاوت دانش بومی می‌تواند مکمل مناسبی برای دانش رسمی باشد. Voinov و همکاران (۲۰۰۸) بیان کردند به دلیل پیچیدگی و چند بعدی بودن اکوسیستم‌ها و تأثیرات بلندمدت، تلفیق سیستم‌های آبخیز و سیستم اقتصادی-اجتماعی و مدیریت سنتی منابع طبیعی نیازمند فعالیت‌های مشارکتی است که بتوان از بازخوردهای ذینفعان مختلف در فرایند اتخاذ تصمیم استفاده نمود. Kavana و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعات خود نتیجه گرفتند که دامداران به‌طور سنتی تفاوت انواع خاک و گونه‌های گیاهی غالب را در مناطق تحت چرا تشخیص می‌دهند و الگوهای چرا را در مراتع طوری تنظیم می‌کنند که دام‌ها در فصول سرد و بارانی در مناطق نزدیک و در فصول گرم و خشک در مناطق دورتر چرا کنند. Afsharzadeh و Papzan (۲۰۱۱) بررسی سازوکارهای بومی مدیریت مرتع عشایر کوچنده ایل کلهر بیان کردند که بهره‌برداران این منطقه اشراف کاملی بر مسائلی همانند تقسیم‌بندی مراتع بر حسب شیب زمین و

جدول ۱- نام و مشخصات کلی سامان‌های عرفی مراتع بیلاقی دامنه جنوبی دماوند

نام مرتع	تعداد بهره‌بردار	شیوه بهره‌برداری	تعداد دام	نوع دام
ورارو اسکندر بیگ	۱۲	مشاعی	۲۷۵۵	گوسفند و بز
ملار	۸	شورایی	۱۳۶۰	گوسفند، بز و گاو
گرناکوه شاهورانی	۱	افرازی	۵۲۵	گوسفند، بز و گاو
گرناکوه عمومی	۱۰	شورایی	۱۲۰۹	گوسفند و بز
رینه کوه	۱۱	شورایی	۳۵۷۹	گوسفند، بز و گاو
نسوم لپی	۶	افرازی	۲۹۵۵	گوسفند و بز
داغ	۶	افرازی	۴۲۰۶	گوسفند، بز و گاو
دلپچائی	۷	مشاعی	۱۱۶۸	گوسفند و بز
وزان	۹	مشاعی	۱۳۵۹	گوسفند و بز
اسطخ سر	۱۲	مشاعی	۲۲۰۰	گوسفند، بز و گاو
قاضی مزرعه	۴	شورایی	۷۶۶۷	گوسفند، بز و گاو
چالچال نیک	۱۰	مشاعی	۴۵۰۱	گوسفند، بز
عالیمان ۱	۵	افرازی	۲۳۴۶	گوسفند، بز
عالیمان ۲	۶	مشاعی	۲۷۷۱	گوسفند، بز
برف و بن	۳	افرازی	۱۷۳۴	گوسفند، بز
جمع	۱۱۰	-	۴۰۳۳۵	-

روش انجام پژوهش

تحقیق در زمینه دانش بومی بدلیل کیفی بودن موضوع، اغلب از نوع اکتشافی است. در این پژوهش مشارکتی از تکنیک‌های گروه‌های متمرکز و روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در نمونه‌گیری‌های هدفمند، اصولاً هدف انتخاب مواردیست که با توجه به موضوع تحقیق اطلاعات زیادی داشته باشند (Papzan & Afshazadeh, 2011). در این پروژه با نمونه‌گیری هدفمند ضمن فیش‌برداری، دسته‌بندی و مشاهده حضوری از ۸۸ نفر از خبرگان و افراد آگاه در مراتع بیلاقی دماوند بصورت فردی (از ۲۸ نفر) یا گروهی (۲ الی ۵ نفره) مصاحبه بعمل آمده است. مصاحبه و پرسش‌ها در این پژوهش مشارکتی تا جایی ادامه یافت که پاسخ‌های تکراری برای محقق اثبات شد و ادامه مصاحبه‌ها نکته‌ای جدید به یادداشت‌ها اضافه نکرد. این کیفیت در اثر تکرار پاسخ‌های مشابه از طرف مصاحبه‌شوندگان مختلف برای محقق محرز می‌گردد (بارانی، ۱۳۷۵). یادداشت‌ها به روش تحلیل محتوا مقوله‌بندی شد و بعد نتایج آن تدوین شد. خبرگان و افراد آگاه از ۱۵ سامان عرفی دارای سه

شیوه بهره‌برداری شورایی، افرازی و مشاعی در منطقه مورد مطالعه انتخاب شدند. این افراد عمدتاً از عشایر نیمه کوچنده سمنان، ورامین، سنگسر، پلور و آمل بودند. عشایر نیمه کوچنده گروهی از عشایر هستند که بخشی از سال به‌مثابه خانوار روستایی در ساختمان‌ها و مسکن ثابت و نسبتاً بادوام زندگی می‌کنند و بخش دیگری از سال (اغلب بهار و تابستان) را بصورت عشایر کوچنده همراه خانواده، برای دسترسی به مراتع به کوچ می‌پردازند. براساس تعریف فوق هر ساله به مدت ۹۰ روز (از اواسط خرداد ماه تا اواسط شهریور ماه) عشایر نیمه‌کوچنده از مراتع بیلاقی برای چرای دام استفاده می‌کردند.

سن پاسخگویان: نتایج یافته‌های حاصل از نظرات پاسخگویان نشان می‌دهد که ۱۰/۲۲ درصد بهره‌برداران سنی کمتر از ۴۰ سال دارند، ۱۸/۱۸ درصد بهره‌برداران در طبقه سنی ۵۰ - ۴۰ قرار دارند، ۲۱/۵۹ درصد بهره‌برداران در طبقه سنی ۶۰ - ۵۱ سال بوده، ۲۷/۲۷ درصد بهره‌برداران در طبقه سنی ۷۰ - ۶۱ سال و ۲۲/۷۲ درصد بهره‌برداران سنی بیشتر از ۷۰ سال دارند (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه‌های سنی

متغیر	طبقه‌بندی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
سن پاسخگویان	کمتر از ۴۰	۹	۱۰/۲۲	۱۰/۲۲
	۴۰ - ۵۰	۱۶	۱۸/۱۸	۲۸/۴
	۵۱ - ۶۰	۱۹	۲۱/۵۹	۴۹/۶۳
	۶۱ - ۷۰	۲۴	۲۷/۲۷	۷۶/۹
	بیش از ۷۰	۲۰	۲۲/۷۲	۹۶/۴۱
جمع		۸۸	۱۰۰	-

میانگین: ۶۱/۰۹ انحراف معیار: ۱۳/۷ واریانس: ۱۹۰/۲

نتایج

نحوه بهره‌برداری و تعداد بهره‌بردار مراتع نتایج حاصل از بررسی طرح‌های مرتع‌داری و مطالعات صحرائی نشان می‌دهد در مراتع منطقه براساس لیست ممیزی تعداد ۱۱۰ بهره‌بردار وجود داشته که به سه شیوه مشاعی (۵۷/۹۵ درصد)، شورایی (۲۲/۷۲ درصد) و افزایی (۱۹/۳۳ درصد) از مراتع بهره‌برداری می‌نمایند. بطور کلی ۸۱ درصد بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه از نظر نوع حقوق عرفی بصورت مشاعی و شورایی در مراتع فعالیت دارند که در جدول ۴ به تفکیک توزیع فراوانی انواع شیوه‌های بهره‌برداری، تعداد بهره‌بردار و درصد آنها بیان شد.

جدول ۴- توزیع فراوانی انواع شیوه‌های بهره‌برداری و تعداد بهره‌بردار

شیوه بهره‌برداری	فراوانی	تعداد بهره‌بردار	درصد
مشاع	۶	۵۱	۵۷/۹۵
شورایی	۴	۲۰	۲۲/۷۲
افزایی	۵	۱۷	۱۹/۳۳
جمع	۱۵	۸۸	۱۰۰

براساس موضوع محوری، مضامین و مفاهیم موجود در مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها، موارد با بیشترین فراوانی و تکرار طبقه‌بندی شد. بخشی از این مفاهیم بطور مستقیم از متن یادداشت‌ها و مصاحبه‌ها استخراج و بخش دیگری از یافته‌ها با استنباط و تفسیر آنها استخراج شده است. آنچه در

میزان سواد: نتایج حاصل از نظرات بهره‌برداران نشان می‌دهد که ۵۵/۶۸ درصد بهره‌برداران بی‌سواد بوده اما ۴۴/۳۲ درصد بهره‌برداران دارای تحصیلات در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و یا مقاطع بالاتر هستند که از این میان ۱۳/۶۳ درصد بهره‌برداران تحصیلات دیپلم و یا بالاتر دارند. جدول (۳) توزیع فراوانی درصد سواد بهره‌برداران مناطق مورد مطالعه را برحسب میزان تحصیلات نشان می‌دهد.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سواد

متغیر	طبقه‌بندی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
سواد	بی‌سواد	۵۱	۵۵/۶۸	۵۵/۶۸
	ابتدایی	۱۳	۱۴/۷۷	۷۰/۴۵
	راهنمایی	۹	۱۰/۲۲	۸۰/۶۷
	متوسطه	۴	۵/۷	۸۶/۳۷
	دیپلم یا بالاتر	۱۱	۱۳/۶۳	۱۰۰
جمع		۸۸	۱۰۰	-

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شد. به این معنی که بعد از مطالعه کلی مباحث مطروحه، بحث در زمینه‌های مختلف مقوله‌بندی شده و داده‌های مربوط به آن در همان ستون قرار گرفت.

زیر آمده تلفیقی از این دو بخش است که بر اساس موضوعات محوری طرح شده در مصاحبه‌های عمیق ارائه می‌شود.

با توجه به نتایج جمع‌بندی، اظهارات مصاحبه‌شوندگان با بیشترین فراوانی و تکرار و مطالعه منابع می‌توان دانش بومی بهره‌برداران (شبان) مراتع را در منطقه مورد مطالعه به دسته‌های مختلفی تقسیم کرد که هر یک از آنها به‌عنوان یک الگوی اکولوژیکی در نظام سنتی ایران از جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی خاصی برخوردار هستند. این موارد از گذشته‌های دور تا به امروز در میان دامداران با تجربه و دارای آگاهی بالا بصورت یک فرهنگ عمومی و قابل احترام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. که در این بخش به برخی از آنها اشاره می‌شود.

انواع مراتع بر حسب شیوه بهره‌برداری

مرتع افزای عبارت است از مراتع تحدید حدود شده‌ای که معمولاً تک پروانه‌ای هستند و تعداد بهره‌بردار آن از یک تا چند نفر بر اساس سیاهه لیست پروانه مشخص می‌باشند و این مراتع جز انفال محسوب شده و شخص یا اشخاص استفاده کننده حق فروش آن مرتع را ندارند. اما در مراتع مشاعی پروانه چرا هر سامان عرفی به صورت مشاع به نام مرتع‌داران ذیحق آن سامان صادر می‌گردد و بهره‌برداران بر اساس سیاهه لیست پروانه مرتع‌داری از مراتع بهره‌برداری می‌نمایند. این شیوه بهره‌برداری گروهی را مشاعی غیر مفروض می‌گویند، یعنی بهره‌برداران بدون تفکیک سامان‌های عرفی به همان شیوه عرف از مراتع خود به‌صورت گروهی استفاده می‌نمایند. اما در مشاعی، بهره‌برداران بعضی از سامان‌های عرفی بصورت عرف براساس سهم دام و مرتع افراد حدود بهره‌برداری را تفکیک می‌نمایند و به آن پایبند هستند. همچنین در مراتع شورایی پروانه چرا به نام شورا صادر شده است و ساکنان روستا بر اساس سیاهه لیست پروانه مرتع‌داری از مراتع حریم روستا بهره می‌برند.

انواع مراتع بر حسب فصل بهره‌برداری

مرتع منطقه مورد نظر بدلیل شرایط آب و هوایی خاص

به دو بخش بهارچرا و تابستان‌چرا تقسیم می‌شوند. بهارچرا: همان مراتع میان‌بند هستند که در ارتفاعات پایین‌تر (کمتر از ۲۵۰۰ متر) قرار داشته و در اوایل اردیبهشت‌ماه تا اواسط خرداد به مدت ۴۰ روز مورد چرای دام قرار می‌گیرند.

تابستان‌چرا: همان مراتع بیلاقی منطقه می‌باشند و در ارتفاعات بیش از ۲۵۰۰ متر قرار داشته و از اواسط خردادماه تا اواسط شهریورماه به مدت ۹۰ روز مورد چرای دام قرار می‌گیرند.

انواع مراتع بیلاقی بر حسب چرا یا عدم چرا

بر این اساس بهره‌برداران مراتع بیلاقی را به دو بخش علف‌چین (قرق) و علف‌چرا تقسیم می‌کنند.

منطقه علف‌چین: مناطقی از مراتع بیلاقی را گویند که در فصل چرای دام مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد. این مناطق را از طریق سنگ‌چین از بقیه مرتع تفکیک می‌کنند و در پایان رشد گیاه (دوران رکورد رشد) علوفه آن درو می‌شود.

منطقه علف‌چرا: مناطقی از مراتع را گویند که در تمام فصل چرا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، گرچه در این مناطق چرای دام بصورت آزاد نبوده و برای چرا قطعه‌بندی شده و استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال در اوایل فصل چرا مناطق دارای ارتفاع و شیب کمتر (پایین دست) چرا شده و بعد مراتع با ارتفاع و شیب زیاد (بالا دست) مورد چرا و بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

استفاده از علوفه کمکی در پاییز و زمستان

استفاده از علوفه دستی: عشایر نیمه کوچنده منطقه در فصل زمستان بدلیل شرایط محیطی و آب و هوایی منطقه و کمبود علوفه به‌منظور تغذیه دام، از علوفه دستی استفاده می‌کنند. بهره‌برداران علوفه‌هایی را که از منطقه علف‌چین درو کرده‌اند با کمباین خرد کرده و کیسه می‌کنند و همراه با کاه، جو و سیوس در فصل زمستان در سه وعده صبح، ظهر و شب به دام می‌دهند. در وعده صبحگاه جو و سیوس، در وعده ظهر علوفه درو شده و در شب مخلوطی از کاه نمناک، سیوس و جو را بصورت دستی مورد تغذیه دام قرار می‌دهند.

آنها در حرکتند، بذرها را لگد و زیر خاک قرار می‌دهند. این بهره‌برداران با استفاده از دانش و مهارت خود محدوده عرفی‌شان را بصورت طبیعی اصلاح و احیاء می‌کنند.

استخدام قرقبان: بهره‌برداران با تجربه در مناطق بیلاقی به‌منظور استراحت و مدیریت مراتع در فصل گلدهی گیاهان در بسیاری از مناطق با استخدام قرقبان از ورود گله‌های کوچرو گذری جلوگیری می‌نمایند، آنها همچنین از لگدکوبی مرتع و چرای نامناسب دام در فصل گلدهی گیاهان جلوگیری نموده و سعی می‌کنند چرا را از مناطق کم ارتفاع مرتع شروع تا فرصت رشد و نمو برای گیاهان علوفه‌ای ارتفاعات فراهم شود. این بهره‌برداران معتقدند با توجه به شرایط جغرافیایی و آب و هوایی در مناطق بیلاقی این کار از فشار مضاعف دام بر مراتع جلوگیری نموده و باعث می‌شود تا دوره طولانی‌تری از مرتع استفاده نمایند.

جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی در مدیریت سنتی دام و گله از دیگر جنبه‌های موجود که با دانش و مهارت بهره‌برداران ارتباط تنگاتنگی دارد استفاده از نوع دام بر اساس سن و شرایط مراتع است که به بعضی از آنها با بیشترین فراوانی و تکرار اشاره می‌شود.

مراتع ویژه کل و قوچ (نر چرا): این مراتع در قسمت‌های سردسیر و برف‌گیر و مرتفع واقع است و با مراتع تحت چرای میش‌ها فاصله دارند.

مراتع تغلیف بره‌ها (ور چرا): این مراتع عمدتاً شامل چمن‌زارها و علف‌زارهای نرم است که در دره‌های پرآب و اراضی هموار واقع است و مورد استفاده بره‌ها قرار می‌گیرد. مراتع مورد چرای بزها (بزی چرا): این مراتع شامل مراتع صخره‌ای است که تنها بزها قادرند از علوفه و درختچه آن استفاده نمایند.

آنها همچنین برای دام‌های غیر بارور، دوشا (شیرده) و میش‌های دارای بره‌های نر مناطق خاصی را در قسمت‌های مختلف مرتع در نظر می‌گیرند.

چرای گله در شب (شو چرا): شبانان با تجربه چراندن گله در شب را برای دام به‌ویژه در زمان جفت‌گیری بسیار مفید می‌دانند. آنها معتقدند این کار زمان زایش بره‌ها را همزمان

پس‌چر مزارع: عموماً دامداران منطقه علاوه بر دامداری دارای زمین کشاورزی نیز می‌باشند و اگر در مواردی نیز دارای زمین کشاورزی نبوده یا زمین کشاورزی جوابگوی تعداد دام آنها نباشد با اجاره زمین‌های زراعی از پس‌چر مزارع استفاده می‌کنند. این زمین‌ها اکثراً در مناطق روستایی که در محدوده مراتع منطقه می‌باشند قرار دارند.

جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی در مدیریت سنتی مرتع نتایج جمع‌بندی اظهارات مصاحبه‌شوندگان با بیشترین فراوانی و تکرار نشان می‌دهد در بخش مدیریت مرتع بهره‌برداران یا چوپانان برای حفظ و احیاء و اصلاح مراتع خود بصورت سنتی به موارد زیر توجه خاصی دارند.

فاصله زمانی در آب دادن گله‌ها: برای حفظ و بهره‌برداری صحیح از مرتع چوپانان با تجربه فاصله آب دادن گله را تنظیم می‌کنند. آنها هنگامی که هوا سرد شده و علوفه کم و بیش آبدار باشد، دام را یک روز در میان به محل آبشخور می‌برند. این کار باعث استفاده مناسب از مرتع بخصوص بخش‌هایی که فاقد منابع آب هستند می‌گردد.

مدیریت چرا پس از آب دادن گله: چوپانان با تجربه برای شادابی چمن‌زارهای خود بلافاصله پس از آب دادن دام‌ها گله را بدلیل میل شدید به چریدن علوفه از اطراف آبشخور دور می‌کنند آنها معتقدند این کار از چرای نامتعادل و تخریب مرتع در اطراف آبشخورها جلوگیری می‌کند.

چرای ترتیبی گله در محل‌های بدون حصار: بهره‌برداران یا چوپانان با تجربه چمنزارها را به قطعه‌های فرضی تقسیم کرده و دام را در هر قطعه از مرتع طوری چرا می‌دهند که وارد قطعات دیگر نشود، این گونه هدایت گله با استفاده از دانش و مهارت چوپانان، بدون نیاز به حصارکشی، از استفاده بی‌رویه و تخریب مرتع آنها جلوگیری می‌کند.

بذرافشانی مراتع: به‌منظور بذریاشی مراتع طبیعی چوپانان با تجربه کیسه‌های کوچکی از بذر علوفه‌های مرتعی خوشخوراک را بر گردن یا شاخ بزهای نر قوی هیکل آویزان و در انتهای این کیسه‌ها سوراخ کوچک ایجاد می‌کنند، آنها معتقدند بذرها به هنگام حرکت دام‌های پیش رو در سطح مرتع پخش شده و چون دام‌های دیگر بدنبال

که در هر ۲۰ کیلوگرم نمک مقدار بسیار اندکی نفت می‌ریزند تا بو گرفته و بدین ترتیب از مصرف زیاد نمک توسط گوسفندان که باعث نفخ در آنها می‌شود جلوگیری کنند. معمولاً محل‌هایی که نمک را برای مصرف دام قرار می‌دهند در جلوی آغل یا بر روی تخته سنگ‌های بزرگی که به آنها «نمک ریس» می‌گویند، قرار می‌دهند. بعد از نمک دادن دو تا سه ساعت دام را چرا داده و پس از آن دام را به آبشخور رهنمون می‌کنند.

بحث

اقوامی که در نقاط مختلف ایران به دامداری می‌پردازند متناسب با نوع مرتع خود شیوه‌های گوناگونی را برای بهره‌برداری اتخاذ کرده‌اند، این شیوه‌ها روابط تکنیکی را در بهره‌برداری از مراتع شامل می‌شود و در مجموع یک نظام بهره‌برداری را شکل می‌دهد که با شرایط محیطی و فرهنگی سازگار هستند. بطور کلی براساس یافته‌های این پژوهش اگرچه بیش از ۷۰ درصد بهره‌برداران منطقه بی‌سواد یا کم‌سواد هستند ولی بیشتر آنها از نظر میزان دانش بومی و تجربه شغلی در سطح بالایی قرار دارند. نتایج جمع‌بندی اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان داد که بهره‌برداران این مراتع براحتی می‌توانند کروکی (حدود) سامان عرفی، تقسیم مکانی پراکنش دام، تنظیم اندازه گله یا لنگه‌ها، محل‌های تأمین آب شرب گله، مسیر حرکت گله، بهترین نقاط چراگاه و استراحت گله را بخوبی تعیین و تفکیک نمایند که با نتایج مطالعات Afsharzadeh و Papzan (۲۰۱۱)، سعیدی گراغانی (۱۳۹۰) و باقری (۱۳۷۳) نیز مطابقت دارد. آنان همچنین می‌توانند با اجرای سیستم‌های چرای سنتی مانند چرا در شب، رعایت زمان ورود دام، مدت توقف دام و قرق قسمت‌های مختلف مرتع، بذرافشانی طبیعی ضمن حفاظت مراتع از تمام قسمت‌های یک محدوده عرفی نیز بصورت یکنواخت استفاده نمایند. این بخش از نتایج با مطالعات Papzan و Afsharzadeh (۲۰۱۱)، انصاری (۱۳۷۷)، Kohansal و Dehghanian (۲۰۰۰)، حیدری و سعیدی گراغانی (۱۳۹۰) و Kavana و همکاران (۲۰۰۵) که بیان

کرده و از تلفات بره‌های متولد شده بشدت می‌کاهد. همچنین بهره‌برداران با تجربه به‌منظور مدیریت گله محل چرای مناسبی از چراگاه را در زمان جفت‌گیری دام‌ها انتخاب و تا پایان دوره جفت‌گیری آن را تغییر نمی‌دهند.

اهمیت ترکیب گله: دامداران در گله‌های خود باید ترکیبی از بز و میش داشته باشند آنها معتقدند در مناطق پر شیب بزها از نظر تغذیه‌ای به چریدن بوته‌ها علاقه بیشتری دارند، علاوه بر این در هر گله وجود تعدادی بز باعث هدایت و جابجایی بهتر گله می‌شود، معمولاً در این مراتع در هر گله از بین ۱۰۰ رأس دام حدود ۱۰ تا ۴۰ رأس بز (بر حسب شرایط توپوگرافی منطقه) وجود دارد.

شکل و آرایش گله: بهره‌برداران با تجربه در مناطق بیلاقی به‌منظور مدیریت بهتر دام و مرتع، گله‌ها را به گونه‌ای حرکت می‌دهند که طول و عرض آن تقریباً یکسان باشد، آنها معتقدند ضمن استفاده یکنواخت از مرتع خطر گرگ‌زدگی با این کار کمتر شده و از راهپیمایی بیشتر دام‌ها در چراگاه جلوگیری می‌شود.

چرای دام در مه: شبانان در هنگام مه گله گوسفند را جمع کرده و معمولاً خود چوپان در جلوی گله قرار گرفته و سنگ گله از عقب هم گله را محافظت کرده و هم گله را هدایت می‌کند.

ساعات دوشیدن و مسیر حرکت دام: ساعت حرکت و شروع چرا در مراتع بیلاقی منطقه ساعت ۴ تا ۵ صبح هنگامی که هوا گرگ و میش می‌باشد، است. برای آنکه دام‌های شیرده میزان شیرشان در طول روز کم نشود در ابتدای چرا حدود ۲۰۰ متر دام را در یک مسیر سرازیری قرار می‌دهند. دام تا ساعت حدود ۹ صبح به چرای خود ادامه داده و بعد دام‌های شیرده را می‌دوشند و پس از شیردوشی دوباره آنها را به مرتع باز می‌گردانند. تا ساعت ۵ تا ۶ بعد از ظهر دام مرتع را چرا کرده و پس از آن شبانان دام‌ها را به سمت آغل هدایت کرده و برای دومین بار از دام‌های شیرده شیردوشی می‌کنند.

نمک دادن دام: در مراتع بیلاقی نمک را خورده و هفته‌ای یکبار به دام می‌دهند. روش کار بدین صورت است

شدن نیروی انسانی جایگزین و ماهر، بطور جدی در حال کم‌رنگ شدن است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد:

۱- برنامه‌ها و پروژه اصلاحی در طرح‌های مرتعداری متناسب با الگوهای سازگار در هر منطقه انتخاب شود.

۲- برای کاهش مشکلات در محدوده‌های عرفی شناخت دقیق از نظام‌ها، حقوق عرفی و مطالبات بهره‌برداران مورد تأکید قرار گیرد. توصیه می‌شود توانمندی‌ها و نظرات بهره‌برداران و حوزه‌نشینان بیشتر مورد توجه و تأکید مدیران و کارشناسان قرار گیرد.

۳- برای بهبود وضعیت و افزایش میزان تولید مراتع باید دانش بومی و روش‌های سنتی در زمان بازنگری این طرح‌ها مورد توجه و تأکید مدیران و کارشناسان قرار گیرد.

۴- پیشنهاد می‌شود در طرح‌های مرتعداری به تجارب و دانش بومی دامداران برای تعیین زمان ورود و خروج دام از مرتع توجه شود، به طوری که دولت و کارگزاران فقط نقش نظارتی و هدایتی داشته باشند و در نهایت در چنین پروژه‌هایی حمایت‌های دولتی می‌تواند ضامن اجرای هرچه بهتر آنها باشد.

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانیم از کلیه کسانی که در به انجام رسیدن این تحقیق همکاری داشته‌اند، به‌ویژه شورای شهر رینه و بهره‌برداران صدیق و زحمت‌کش مراتع دامنه جنوبی کوه دماوند تقدیر و تشکر نمایم.

منابع مورد استفاده

- انصاری، ن.، ۱۳۷۷. نهادهای سنتی بهره‌برداری از مراتع در بین عشایر لرستان و بررسی امکان احیا و بکارگیری آنها. اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی و آبریزان، ۲۰-۱۹ مهر: ۳۰۶-۳۲۶.
- بارانی، ح.، ۱۳۷۵. بررسی و مقایسه برخی روش‌های متداول ارزیابی وضعیت مرتع متناسب با توان رویشگاه در چند منطقه آب و هوایی تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرتعداری، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ۶۶ ص.

می‌دارند شبانان زمان و مکان چرای دام را در عرصه چراگاه متناسب با اقتضات محیطی و انسانی تنظیم می‌کنند و فونوی را برای حفاظت از دام و علوفه، هدایت گله و تنظیم ترکیب و تولید گله به‌کار می‌برند، مطابقت دارد.

تنوع ترکیب گله، جداکردن گله‌های دام و تعدیل تعداد دام همگی به‌منظور بهره‌برداری بهینه از مرتع انجام می‌شود. از آنجا که هر یک از انواع دام دارای ویژگی و سازگاری خاصی هستند، تنوع ترکیب گله موجب استفاده حداکثر از علوفه مرتعی می‌شود، بعلاوه این ترکیب متنوع موجب کاهش خطر ناشی از بیماری‌ها و خشکسالی و مانند آن می‌شود. ترکیب گله‌های بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه نشانه اشراف بر رفتار تغذیه‌ای و میزان تحرک و نیز توجه به شرایط توپوگرافی منطقه است. این بخش از نتایج با مطالعات انصاری (۱۳۷۷)، Papely Yazdi و Labaf Khaniky (۲۰۰۰) و بارانی (۱۳۸۲) همسویی دارد.

امروزه بعلت تنوع شرایط اکولوژیکی مراتع، نوع مدیریت در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی، معرفی دانش بومی و قابلیت‌های فردی بهره‌برداران ضروریست. اگرچه تا بحال دانش بومی بهره‌برداران منابع طبیعی در برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های مرتعداری کمتر مورد توجه کارشناسان و محققان قرار گرفته است ولی بنظر می‌رسد با معرفی هر یک از این روش‌های سنتی در مدیریت دام و مرتع می‌توان زمینه اشتغال و توسعه مناطق روستایی و عشایری را رونق بخشید که Ugulu و همکاران (۲۰۰۹) آن را به‌عنوان مستندسازی دانش بومی و انتقال به نسل جدید مورد تأکید قرار داده‌اند. بی‌شک فعالیت و سرمایه‌گذاری در محدوده‌های عرفی همراه با احیاء و ارتقاء مجدد منزلت اجتماعی شغل شبانی در میان عشایر نیمه کوچنده استفاده بهتر و علمی‌تر از مراتع را به همراه خواهد داشت. با وجود طرح‌های مرتعداری بنظر می‌رسد استمرار و تداوم مدیریت مراتع در محدوده‌های عرفی منطقه بیشتر مدیون دانش بومی بهره‌برداران باشد. این نحوه مدیریت مراتع در حال حاضر در بسیاری از مناطق بیلاقی با افزایش سن بهره‌برداران، کاهش توان جسمی و کم

- in the developing world. The 7th International Rangeland Congress, August 10: 123-129.
- Hare, M. and Krywkow, J., 2008. Participatory process management. International Congress on Environmental Modeling and Software, USA, 15-19 June: 888-899.
- Heady, R., 1990. Rural development, putting the last first. Longman and Technical publisher, London, 413p.
- Johnson, N., Ravnborg, H. M., Westermann, O. and Prodts, K., 2001. User participation in watershed management and research. Journal of Water Policy, 3: 507-520.
- Kavana, P., Kizima, Y. and Msanga, Y. N., 2005. Evaluation of grazing pattern and sustainability of feed resources in pastoral areas of eastern zone of Tanzania. Livestock research center, 5016p.
- Keough, N., 1998. Participation development principle. Journal of Community Development, 33: 186-196.
- Lee, R. A., 1990. Community and forestry continuities in the sociology of natural resources. West View Press, USA, 367p.
- Papely Yazdi, M. and Labaf Khaniky, M., 2000. The pasture utilization systems. Journal of Geography Research, 9897-9930.
- Papzan, A. and Afshazadeh, N., 2011. Native mechanisms in range management of Kalhor tribe's nomads, Iranian Journal of Range and Desert Reseach, 17(3): 476-488.
- Rashtian, A. and Karimian, A., 2010. Evaluation and Comparison of viewpoint and exploiters of the system and pasture in the range of Semnan province. Journal of Rangeland, 5(1): 109-118.
- Saeedi Goraghany, H. R., Heidari, Gh., Barani, H., and Alavi, S. Z., 2011. Assessment the effect of type common right of ranchers on range condition and production (Case study: Damavand Summer Rangeland in Amol County). Journal of Rangeland, 5(3): 334-343.
- Ugulu, I., Baslar, S., Yorek, N. and Dogan, Y., 2009. The investigation and antitative ethnobotanical evaluation of medicinal plants used around Izmir province, Turkey. Journal of Medicinal Plants Research, 3(5): 314-367.
- Voinov, A., Arctur, D. and Zaslavskiy, I., 2008. Community-based software tools to support participatory modeling: a vision. International Congress on Environmental Modeling and Software. IEMSS, USA, 10-13 July: 766-774.
- بارانی، ح.، ۱۳۸۲. بررسی مبانی فرهنگ مرتعداری در بین گله‌داران البرز شرقی. پایان‌نامه دکتری مرتعداری، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ۳۲۱ ص.
- باقری، م. ر.، ۱۳۷۳. بررسی نظام بهره‌برداری از مراتع حوزه کبکیان استان کهگیلویه و بویر احمد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ۳۳۱ ص.
- حیدری، ق. ا. و بارانی، ح.، ۱۳۹۰. بکارگیری روش‌های مدیریت سنتی سازگار با شرایط اکولوژیک در مراتع بیلاقی ایران (مطالعه موردی: البرز شمالی بلده)، اولین همایش ملی دانش سنتی و تنوع زیستی کرمان، ۱۰ اسفند: ۱۳۰-۱۲۱.
- حیدری، ق. ا. و سعیدی گراغانی، ح. ر.، ۱۳۹۰. معرفی دانش بومی بهره‌برداران مراتع در صنعت اکوتوریسم (مطالعه موردی: مراتع بیلاقی دماوند بخش لاریجان). اولین همایش بین‌المللی مدیریت و توسعه پایدار توریسم، دانشگاه آزاد واحد مرودشت، ۶-۷ مهر: ۱۴۱-۱۳۵.
- ذبیحی، م. و علوی، س. ز.، ۱۳۸۹. طرح مرتعداری مرتع رینه کوه بخش لاریجان. اداره کل منابع طبیعی استان مازندران، ایران، ۷۲ ص.
- سعیدی گراغانی، ح. ر.، ۱۳۹۰. بررسی اثر رقابت در بهره‌برداری بر وضعیت مرتع (مطالعه موردی: مراتع بیلاقی دماوند شهرستان آمل). پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرتعداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ۱۱۵ ص.
- Afsharzadeh, N. and Papzan, A. H., 2011. Indigenous knowledge of animal nutrition Kalhor tribe's nomads. Journal of Rangeland, 5(3): 322-333.
- Arebion, A., 2006. Indigenous knowledge: the development and promotion necessary. Journal of Rural and Development, 9(1): 136-79.
- Chambers, R., 1986. Rural Development: putting the last first. John Wiley & Sons, USA, 312 p.
- Dehghanian, S. and Kohansal, M., 2000. Economy of the tribes in Khorasan. Journal of Agricultural and Development Economics, 29: 106-75.
- Fernandez-Gimenez Maria, E. and David Swift, M., 2003. Strategies for sustainable grazing management

Investigation of the indigenous knowledge expert of semi nomads in northern Alborz (Case study: Southern slopes of Damavand Mountain Summer Rangelands)

Gh. Heidary¹ and H. R. Saeedi Goraghani^{2*}

1-Assistant Professor, Department of Range and Watershed Management, University of Natural Resources and Agriculture of Sari, Iran

2*- Corresponding author, Ph.D. Student in Range Management, Department of Reclamation of Arid and Mountainous Regions, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Iran, Email: hamidsaidi65@yahoo.com

Received:19/2/2013

Accepted:30/11/2013

Abstract

Traditional and indigenous knowledge of range beneficiaries is a valuable national heritage for management programs and social development, providing opportunities to identify, prioritize and organize local resources. The introduction of this traditional knowledge among the population has a positive approach towards the ranch job, and can reinforce the strength of social structure in the country. Accordingly, in this research, it was tried to introduce the mechanisms of indigenous knowledge for the management of range allotments by the semi nomads of Damavand mountain summer rangelands. This is a qualitative research method, in this technique while doing interviews and gathering deep data, axial questions were determined regarding the use of rangeland. The methodology of the study is qualitative including interviews and data collection as well as determining central questions regarding the use of rangelands. Our results clearly showed that rangeland beneficiaries were easily able to determine range allotments, spatial distribution of livestock, herd size, sites of drinking water and so forth. They also can use all parts of a range allotment through traditional grazing systems, exclosure, and observing livestock entry to the rangeland. It seems that indigenous knowledge and occupational experience of shepherds can perform an important role in collaborative activities to achieve sustainable management and provide the success of rangeland projects.

Keywords: Indigenous knowledge, sustainable management, collaborative research, Damavand summer rangelands.